

# «خودرو» و «خودرو» سازی در دو نگاه



مهندس ناصر خورشیدی

دیگر نتواند پاسخ مناسب و منطبق با شرایط متحول اجتماعی را بدست آورد ، قطعاً مباحث تکنیکی و تخصصی نمی تواند کارایی و نتایج لازم را بدنبال آورد. برای ملموس تر شدن بحث و تقریب به ذهن شدن و عینیت بخشیدن به این ماجرا ، اجازه دهید در دو قلمرو، دستاوردهای بشر امروز را نگاه کنیم.

این دو قلمرو عبارتست از:

۱- قلمرو حمل و نقل و انتقال فیزیکی که متکفل آن وسایل نقلیه و بطور اخص در بحث ما «خودرو» ( اتومبیل ) می باشد

۲- عرصه اطلاع رسانی و ارتباطات، یعنی آنجایی که نه خود انسانها را بهم نزدیک و متصل می کنیم بلکه آنجایی که پیام انسان ها را در اقصی نقاط عالم بهم پیوند می خورد و عهده دار آن دستگاه مخابراتی کشور است.

براستی اگر قرار بود سرعت تغییر تلفنهای هندی گذشته همان سرعتی باشد که بر کارخانه های ساخت «فودرو» سازی ماکم است ، در آن صورت قابل تصور بود که ما وقتی روی زمین راه می رفتیم ، در بالای سرمان یک جک ابر متراکم سیم اصلا آسمانی را نمی دیدیم .

براستی اگر قرار بود سرعت تغییر تلفنهای هندی گذشته همان سرعتی باشد که بر کارخانه های ساخت «فودرو» سازی ماکم است ، در آن صورت قابل تصور بود که ما وقتی روی زمین راه می رفتیم ، در بالای سرمان یک جک ابر متراکم سیم اصلا آسمانی را نمی دیدیم .

بعنوان مزاج تصور کنید آدمهایی که یک تلفن در میبشاند و یک سیم از آن بیرون و بر فراز آسمان میروند تا کار ارتباط را عملی سازد ، شبیه آدمهای مریخی؟

سازای سایبا دعوت به عمل آوردیم تا پیرامون مباحث فوق با او گفت و گو کنیم. از آنجایی که قبل از شروع صحبت به این نتیجه رسیدیم که آقای خورشیدی به مباحث خودرو سازی نگاه دیگری دارد لذا در این شماره سایه بان تصمیم گرفت به طرح نظرات کارشناسی ایشان بپردازد. لازم به یاد آوری است، مهندس خورشیدی سی سال در مراکز آموزش عالی و فنی و حرفه ای استان یزد به تدریس در رشته صنایع خودرو مشغول بوده است همچنین نامبرده سالها در نمایندگی گروه خودرو سازی سایبا به آموزش مباحث نوین سیستم های انژکتور و ترمز های ABS مشغول بوده است

قبل از ورود به مباحث فنی که معمولاً بطور سنتی و رایج و بعضاً بطور خود بخودی از سوی متخصصین صورت می گیرد و به وضوح می توان اینگونه مباحث را در نشریات تخصصی بصورت مقالات و یا انجام مصاحبه های معمول در مطبوعات سراسری مشاهده کرد . و صد البته اینگونه مباحث در جای خود ضروری و لازم است ، بنده فکر می کنم در مسئله «خودرو» اینگونه مباحث کافی نیست گرچه لازم است . به بیان دیگر می توان گفت در ارتباط با «خودرو» قبل از مباحث تخصصی نخست باید دیدگاهمان را تعریف کنیم ساده تر بگویم ، وقتی می گویم ما ، منظورم انسان امروزیست ، انسان مدرن که می خواهد در یک جامعه دائماً در حال تغییر، خوب زندگی کند . اگر چنین است بدیهی است که «خودرو» یکی از ابزارهایی است که در تعمیق بخشیدن و یا معنا بخشیدن به این زندگی خوب مفهوم و مصداق می یابد . روشن است اگر به «خودرو» بعنوان یک پدیده صرفاً فنی، سرگرمی، تشریفاتی نگاه کنیم ، داستان ما شکل خاصی پیدا می کند ، کما اینکه اگر به «خودرو» فقط و فقط بعنوان یک پدیده تجاری در کادر سود آوری شخصی نگاه کنیم ، باز ماجرا به گونه دیگری تفسیر می شود.

اما اگر به «خودرو» بعنوان یکی از نیازهای انسان اجتماعی امروز نگاه شود ، در اینصورت «خودرو» و مسئله وسایل نقلیه فراتر از رساندن فرد به مقصد با بسیاری از عوامل و پارامترهای زندگی اجتماعی ارتباط پیدا می کند به نحوی که اگر این نیاز همچون برخی از نیازهای



باید به «فودرو» به گونه ای دیگر نگاه کرد

نداشتن یک دیدگاه جامع و مانع است که ما در قلمرو «خودرو» با کمال تأسف امروزه با مشکلات فراوان روبه رو هستیم که ملموسترین، ابتدائی ترین وساده ترین آنها عبارتند از: مسئله ترافیک، آلودگی هوا، افزایش و ازدیاد مرگ و میر، بالا بودن آمار و سوانح اجتماعی، مسئله سوخت و سیاست های جهانی، تحریم ها و ... گرچه به نظر بسیاری از متخصصین این موارد در زمره عوارض اصلی و جدی «خودرو» سازی است اما با توجه به آنچه تاکنون بدان پرداختیم، اینها نمونه هایی از

شاید مخاطبین بنده قبل از آنکه داستان من تمام شود با خود می اندیشیدند که آنچه ما به صورت مقدمه درباره «خودرو» گفتیم ، بافتن آسمان و ریسمان است ، اما فکر می کنم که با کمی تأمل و اندکی توجه و حداقلی از انصاف و وجدان ، همه ما دور از مصالح و منافع فردی اقرار می کنیم در دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم همه ابزارها و وسایل مورد نیاز انسان با هم در یک ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک بسر می برند ، درست همانند ظروف مرتبطه.

لذا باید نتیجه گرفت که در ضمنه مورد بحث یعنی مساله «خودرو» هرگونه اقدامی بی رویه در تولید یا بهای سوخت در بسیاری از مسائل زندگی اجتماعی انسان امروز اثر گذار خواهد بود.

از بحث خارج شدیم ، منظورم از این مثال تقریب موضوع مورد بحث به ذهن بود بنابراین باور کنید امروز «خودرو» نه تنها در ترافیک ، بیماری های اجتماعی ، افزایش آمار مرگ و میر ، خودکشی ها ، تغییر فرهنگ و خلق و خوی انسان ها ، بلکه با همه چیز ما سرو کار دارد.

در دنیایی که ما زندگی می کنیم همه چیز بهم ارتباط و ربط منطقی دارند شاید باور نکنید اما می گویند هنگامی که مهندسین مشاور در امور شهرسازی در کشور لبنان می فواستند طرح جامع شهری را تدوین نمایند ، در طراحی جدید شهر، یکی از محورها ، مدف و پوشاندن معابر آبهای روباز شهری بود که از مملات شهر لبنان عبور می کرد . اما پس از پوشاندن معابر آب در کمال نا باوری بدنبال تحقیقات جمعی از جامعه شناسان روشن گردید، آن مملاتی که ممل گذر آبهای سرباز بود و اکنون در طرح جدید آن را پوشانده بودند ، با افزایش چشمگیر طلاق روبرو شده بود. در نگاه اول شاید کسی ربط منطقی میان پوشاندن معابر آب با طلاق را نداند...

به عبارت دیگر «خودرو» هم مثل سایر پدیده های اجتماعی تاریخ دارد ، در خلاء شکل نگرفته است ، در فضای اجتماعی خاص بوجود آمده است ، به مرور تغییر کرده تا به امروز رسیده است . حرف ما اینست که ما میراثی را که از گذشتگان تحویل گرفته ایم ، نتوانسته ایم یا به پای تغییراتی که در سایر عرصه های اجتماعی رخ داده است این میراث را با سرعت نیازهای متغیر امروز همراه سازیم لذا در این عرصه ما جهش لازم را کسب نکرده ایم و همه مشکلات ما در

محورها ، حذف و پوشاندن معابر آبهای روباز شهری بود که از کوچه پس کوچه ها و بخشی از محلات شهر لبنان عبور می کرد . بدیهی است بازبودن سطح آب می توانست به لحاظ بهداشتی مشکلاتی را برای مردم ایجاد کند و طبیعی بود که این مسئله یکی از پارامترهای جدی بود که مهندسین در حذف آن تلاش داشتند جالب اینجاست که پس از مدتی و بدنبال تحقیقات جمعی از جامعه شناسان روشن گردید که در کمال ناباوری آن محلاتی که محل گذر آبهای سرباز بود و اکنون در طرح جدید آن را پوشانده بودند ، با



کوه های یخی است که از میان اقیانوس جامعه سربرون آورده است. باور کنید و باور کنیم که عوارض ناشی از عدم انطباق سیاست های حاکم بر بخش «خودرو» سازی کشور با نیازهای به سرعت متحول شده انسان و جامعه کنونی به مراتب بیش از اینهاست و باید منتظر بود تا در صورت عدم تغییر سیاست های حاکم بر این بخش ، سایر عواقب و مسائل آن هم روشن گردد.

اساساً آرزوی همه ما این است که با تغییر در نگاه و سیاست های اعمال شده در بخش «خودرو» سازی کشور شاهد بروز سایر عواقب این مسئله نباشیم، بدیهی است تصحیح سیاست های گذشته در گرو درک نیاز های کنونی جامعه است.

امروزه با توجه به بسیاری از پارامتر ها، مسئله سوخت در راس همه ی نیاز ها است خصوصاً آنکه کشور های صنعتی بزرگ می توانند در این بخش دائماً جامعه را با تهدید مواجه سازند.

بنابراین پیشنهاد من در این بخش در گام نخست ساخت «خودرو» های هیبریدی است، البته شاید برخی تصور کنند که ساخت چنین «خودرو» هایی منوط به تغییر در ساختار کلی صنایع «خودرو» سازی است.

در این رابطه توجه همگان را به این حقیقت جلب می نماید که ساخت این «خودرو» ها به دلیل یکسان بودن شاسی بدنه، اتاق و نیروی محرکه با «خودرو» های امروزی، نیازمند تغییرات اساسی در ساختار تولید نمی باشد.

بنابراین امری است که می تواند اتفاق افتد کما اینکه در بسیاری از کشور های دنیا به وقوع پیوسته و چنین «خودرو» هایی در ناوگان حمل و نقل آنها مشغول به کار می باشند.

البته یادآور می شوم که در این مقاله بنده به هیچ وجه قصد ورود به مباحث تخصصی را نداشتم، چرا که بر این باورم قبل از هر گونه بحث فنی و تخصصی مشکل و مساله اصلی «خودرو» سازی کشور در گرو تغییر نگاه و دید می باشد، بنابراین تلاش اینجانب در این مقاله، ایجاد چنین تغییری بود

لذا به یاری خداوند و با همکاری دوستان متخصص در مقالات آینده ، با ورود به مباحث فنی و تخصصی سایر پیشنهاداتی خود را ارائه خواهم داد.



افزایش چشمگیر طلاق روبرو شده بود. روشن است در نگاه نخست کسی نمی توانست ربط منطقی میان باز بودن یا بسته بودن معابر آب و یک موضوع زندگی شخصی یعنی طلاق را فهم کند ، جالب است بدانید که بدنبال تحقیقات، روشن گردید که یکی از عمده ترین دلایل افزایش طلاق در این مناطق پوشاندن معابر عمومی بود. در توجیه آن روانشناسان اجتماعی توضیح دادند که وجود معابر آب بصورت سرباز و بدون پوشش باعث می گردید تا در ساعاتی از روز خانمها از خانه خود بیرون آمده در کنار یکدیگر با شستن لباس و ظروف و .... ساعاتی از وقت خود را بصورت گفتن بگذرانند بدیهی است در این تعامل اجتماعی دختران جوانتر با شرح ماجرا های زندگی شخصی خود با خانمهای میانسال و کهنسال تبادل نظر کرده و درس زندگی می آموختند.

اینگونه بود که در واقع جمع شدن در کنار این آنها موجب می گردید ، همچنانکه لباسها و ظروف خود را می شستند ، قلب و دل و جان خود را نیز پاک نمایند. اینجا محلی بود که آنها می گفتند و می شنیدند و می آموختند و آموزش می دادند و این امر باعث می شد که بهتر بتوانند با زندگی شخصی خویش کنار آیند ، اما پس از حذف این عامل تجمع، یعنی پوشاندن سطح آب دیگر زمینه ای وجود نداشت تا باعث گردد خانمها بتوانند با یکدیگر به تبادل نظر بپردازند.

لذا تضادهای درونی آنها در درون خانه ها منفرج می شد و بجای آن که آب آنها را با خود ببرد راه به قاضی و دادگاه و نهایتاً کار به جدایی و طلاق می انجامید .

درجه اول ناشی از این مساله است. «خودرو» امروزه نه تنها یک عنصر مکانیکی در جامعه ، بلکه یکی از اعضای ارگانیک جوامع بشری سنت مثل اعضای بدن انسان ، به نحوی که کمترین بی توجهی یا کم توجهی در این بخش سرعت بصورت بازتاب منفی در سایر عرصه های اجتماعی خود را نشان میدهد. مسئله ترافیک ، آلودگی هوا ، خرابی جاده ها ، ویرانی فضای سبز و تجاوز به طبیعت کمترین اثرات منفی این نگاه می باشد.

در اینجا داستانی به ذهن من رسید که طرح آن برای تفهیم بحث مورد نظر بسیار قابل توجه است . آرزو می کنم همه کسانی که به گونه ای دغدغه و درد همونوعا خو را دارند این داستان را بخوانند تا به وضوح در یابند که چگونه تغییرات کوچک در برخی از زوایای زندگی روزمره ما می تواند موجب دگر گونی های کیفی در بخش های دیگری از زندگی شده و بعضاً پایه و اساس زندگی های اجتماعی را متزلزل و منهدم نماید. داستان مورد نظر از این قرار است :

نمی دانم در کجا خوانده و یا شنیده ام ، اما می دانم که پس از شنیدن این ماجرا به روشنی آفتاب دریافتم که در دنیایی که ما زندگی می کنیم چگونه همه چیز بهم ارتباط و ربط منطقی دارند . گرچه با کمال تأسف در بسیاری از مواقع ما به این ارتباطاتی توجه نمی کنیم!

اما ماجرا! می گویند هنگامی که مهندسین مشاور در امور شهرسازی در کشور لبنان می خواستند طرح جامع شهری را تدوین نمایند ، در طراحی جدید شهر یکی از